بررسی ویژگیهای شخصیتی و روانشناختی زنان و دختران فراری نگهداری شده در مراکز مداخله در بحران های اجتماعی استان لرستان

ماندانا ساکی[1]، میترا صفا[2]، حسین جزایری[3]، پروین آستی[4]، مژگان جاریانی[2]، مژگان ساکی[5]

1- مربی، گروه اعصاب و روان، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان
2- استادیار، گروه اعصاب و روان، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان
3- کارشناس ارشد روانشناسی کودکان استثنایی
4- مربی، گروه مامائی، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان
5- مربی، گروه اطفال، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

یافته / دوره نهم / شماره 1 / بهار 86 / مسلسل 31

چکیده

دریافت مقاله: 85/12/28، **پذیرش مقاله**: 86/1/29

Ø مقدمه : محیط خانواده اولین محلی است که کودک استعدادها و توانائیهای خود را در آن محیط شناسائی نموده و آنها را رشد و پرورش میدهد. چنانچه خانواده نتواند محیط مناسبی را برای رشد و تکامل شخصیت کودک خود محیا نماید، اساس کجروی های اجتماعی را در او پایه گذاری می کند. خانواده به عنوان یکی از عوامل اجتماعی و شخصیت به عنوان یکی از عوامل درونی مطرح، می توانند، زمینه مناسبی را برای رفتارهای بزهکارانه ایجاد نمایند، لذا انجام پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگیهای شخصیتی و روانشناختی زنان و دختران فراری نگهداری شده در مراکز مداخله در بحران های اجتماعی استان لرستان در سال 1382 انجام گرفت.

Ø مواد و روشها: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی، تحلیلی است. نمونه گیری به روش سرشماری بوده و کلیه دختران و زنان نگهداری شده در مراکز مداخله در بحران در طول یک سال مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده ها در این تحقیق از یک پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصات دموگرافیک و عوامل خانوادگی و پرسشنامه استاندارد شده **SCL 90** استفاده شد. کلیه پرسشنامه ها از طریق مصاحبه بالینی توسط روانشناس بالینی تکمیل گردیدند. اطلاعات پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار **SPSS** مورد ارزیابی قرار گرفت.

Ø یافته ها : از 73 نمونه ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند اکثریت در رده سنی زیر 20 سال، خانه دار و دارای تحصیلات ابتدائی و راهنمایی بودند، اکثریت از فرزندان وسط خانواده بوده و سابقه مهاجرت از روستا به شهر داشتند. برخی از واحدهای مورد پژوهش سابقه زندان، وابستگی به مواد مخدر و انجام اعمال خلاف قبلی داشتند. برخی از اکثریت متأهلین علت فرار خود را ازدواج اجباری و مجردها درگیری شدید و کشمکش با والدین را علت اصلی فرار خود ذکر نمودند.

همچنین یافته های تحقیق نشان داد 46/3% از واحدهای مورد پژوهش دارای فوبیا (ترس مرضی)، 64/3% دارای اختلال سایکوتیزم (روانپریشی)، 83/5% دارای اختلال هیپوکندریازیس (خود بیمار پنداری)، 90/4% دارای اختلال وسواسی جبری، 82/2% دارای افسردگی، 84/9% دارای اضطراب بیمارگونه، 68/6% پرخاشگری، 41% دارای اختلال پارانوئیدی و 56/2% دارای مشکل حمایت در روابط متقابل بودند. نتایج مطالعه نشان داد که بین فرار دختران و زنان با متغیرهایی مثل درگیری و کشمکش با والدین، ازدواج اجباری، بیسوادی یا سطح سواد پایین والدین، بیکاری و نداشتن درآمد والدین و سطح اقتصادی پایین خانواه ارتباط معنی دار وجود دارد. همچنین بین ویژگیهای شخصیتی و عاطفی با فرار ارتباط معنی داری بدست آمد.

Ø بحث و نتیجه گیری : خانواده در بروز بزهکاری نوجوان نقش اساسی و حیاتی دارد، لذا آموزش به خانواده ها جهت برقراری روابط گرم و صمیمی با بچه ها و توجه به خواسته ها و نیازهای روانی آنها توصیه می شود.

Ø واژه های کلیدی : ویژگیهای شخصیتی، ویژگیهای روانشناختی، زنان فراری، دختران فراری، مراکز مداخله در بحران

آدرس مکاتبه: خرم آباد، کمالوند، مجتمع علوم پزشکی پردیس، دانشکده پرستاری و مامائی

پست الکترونیک: Mandana_Saki@yahoo.com

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-05]

مقدمه

خانواده اولین نهاد و هسته اصلی اجتماع است که هدفش رشد و تکامل کودکان است. محیط خانواده نخستین مرکزی است که کودک استعدادها و توانائیهای خود را در آن محیط شناسائی نموده و آنها را رشد و پرورش میدهد. کودکی که در محیط خانواده از محبت سرشار پدر و مادر برخوردار باشد قدرت سازگاری بیشتری داشته، احساس سکون و آرامش نموده، اعتماد به نفس قوی داشته و نسبت به قوانین اخلاقی حساس است. در مقابل کودکی که در خانه احساس ناامنی نماید از زندگی لذت نمی برد، نسبت به دیگران سرد، خشک و بی مهر است. همچنین اعتماد به نفس پائین داشته و کمتر مقید اصول و قوانین اخلاقی است (1).

چنانچه خانواده ای از هم پاشیده بوده و نتواند محیط مناسبی را برای رشد و تکامل شخصیت کودک خود آماده نماید، اساس کجروی های اجتماعی را در او پایه گذاری می کند. انواع بزهکاریها نظیر فرار از منزل، فرار از مدرسه، دزدی و اعمال جنسی نامشروع، اعتیاد و ... در خانواده های گسسته و متزلزل ایجاد می شوند. تعارض در کانون خانواده چه به صورت تعارض میان والدین و چه تعارض میان والدین و فرزندان از جمله عوامل آسیب زا جهت انواع انحرافات اجتماعی محسوب می شود (1و2).

پژوهش های انجام شده در خصوص آسیبهای اجتماعی نشان میدهد که دو دسته عوامل بیرونی یا اجتماعی و عوامل درونی یا روانی در بروز این رفتارها تأثیر میگذارد. از آنجائی که خانواده به عنوان یکی از عوامل اجتماعی و شخصیت فرد به عنوان یکی از عوامل درونی مطرح، می توانند، زمینه و بستر مناسبی را برای رفتارهای آسیب زا ایجاد نمایند در بررسی عوامل زمینه ساز باید به این دو مقوله توجه ویژه نمود (3، 4، 5، 6،7).

نتایج اکثر مطالعات انجام شده بر روی نوجوانان نیز نشان می دهند که عواملی مانند تعارضات، درگیریها و تنش های موجود در خانواده، طلاق والدین، نداشتن سرپرست یا بدسرپرستی، پرجمعیت بودن خانواده ها، مهاجرت از شهرستان، عدم آگاهی و بی بهره بودن از ضریب هوشی بالا به عنوان مهمترین عوامل فرار از خانه می باشند (8، 9، 10، 11).

پدیده فرار از منزل، در نظم جامعه اختلال و آشفتگی ایجاد می کند و منشا بسیاری از رفتارهای بزهکارانه نظیر وابستگی به مواد مخدر و داروهای روانگردان، انحرافات جنسی و اخلاقی، شیوع بیماریهای مقاربتی و عفونی، رفتارهای خودکشی و دیگرکشی، سرقت و..... می گردد (12، 13).

در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگیهای شخصیتی و روانشناختی زنان و دختران فراری نگهداری شده در مراکز مداخله در بحران های اجتماعی استان لرستان در سال 1382 طراحی گردید.

مواد و روشها

مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی، تحلیلی است که با هدف بررسی ویژگیهای شخصیتی و روانشناختی زنان و دختران فراری نگهداری شده در مراکز مداخله در بحران های اجتماعی استان لرستان در سال 1382 انجام گرفت.

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه دختران و زنان فراری نگهداری شده در مراکز مداخله در بحرانهای اجتماعی استان لرستان می باشد. نمونه گیری در این مطالعه به روش سرشماری انجام گرفت. همه مددجویان زن مقیم در مراکز مداخله در بحرانهای اجتماعی در طول یکسال (از مهر 81 تا مهر 82) در مطالعه وارد و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گرد آوری داده ها در این تحقیق یک پرسشنامه دو قسمتی بود، قسمت اول شامل مشخصات دموگرافیک، خانوادگی، سوابق تحصیلی و مردودی واحد های مورد پژوهش و قسمت دوم سوالات مربوط به آزمون استاندارد شده SCL 90[1] بود. این پرسشنامه مشتمل بر 90 سوال برای ارزیابی علائم روانشناختی می باشد. پاسخهای ارائه شده هر سوال در یک

1. Symptom Checklist 90 R (SCL)

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-05]

مقیاس 5 درجه ای از «هیچ» تا «به شدت» مشخص می شود. این پرسشنامه 9 بند مختلف شامل شکایات جسمانی، وسواس، حساسیت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی و روانپریشی را مورد ارزیابی قرار می دهد. نمره گذاری و تعبیر پرسشنامه بر اساس سه شاخص ضریب کلی علائم مرضی، معیار ضریب ناراحتی و جمع علائم مرضی به دست می آید.

کلیه پرسشنامه ها از طریق مصاحبه بالینی توسط روانشناس بالینی تکمیل گردیدند. اطلاعات پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه 11/5 مورد ارزیابی قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

یافته ها

از بین 73 نمونه ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند 37/5% کمتر از 20 سال، 30/5% در رده سنی 25-21 سال و 32% بالاتر از 25 سال سن داشتند (max=48، min=15).

91/7% خانه دار و 58/3% دارای تحصیلات ابتدائی و راهنمائی بودند. 44/6% در طول دوران تحصیل خود سابقه مردودی داشتند. و 90/3% ساکن شهر بودند. 58% سابقه مهاجرت از روستا به شهر داشتند. 26 نفر از واحدهای مورد پژوهش (36%) از فرزندان وسط و 26/4% فرزند اول خانواده بودند.

اکثریت (80/6%) از وا حدهای مورد پژوهش از طریق مراجع قانونی به مرکز ارجاع داده شده بودند. 26/4% سابقه قبلی مراجعه به مرکز را داشتند. 36% از واحد های مورد پژوهش سابقه زندان داشتند. 30/6% وابستگی به مواد مخدر داشتند که از این میان 50% سابقه اعتیاد به هروئین و 40/9% سابقه اعتیاد به تریاک را ذکر نموده بودند. سابقه سوء مصرف 47/8% از معتادین بین 5-3 سال بود.

63/9% از واحدهای مورد پژوهش سابقه قبلی خلاف داشتند که از این میان 40/4% سابقه قبلی فرار از منزل و 23/4% سابقه برقراری ارتباطات جنسی نامشروع را بطور مکرر ذکر نمودند. اکثریت واحدهای مورد پژوهش قبل از فرار با والدین و 26/4% با همسر خود زندگی می کردند. 41/7% از واحدهای مورد پژوهش قبل از فرار از وضعیت اقتصادی ضعیفی برخوردار بودند. 25% از واحدهای مورد پژوهش فرزندان طلاق بودند. 54/2% سابقه درگیری شدید و کشمکش با والدین را علت اصلی فرار خود ذکر نمودند. 52/8% سابقه قبلی اقدام به خودکشی داشتند.

از میان افرادی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند 56/9% متأهل بودند که از این میان 53/7% با تمایل شخصی و مابقی به اجبار ازدواج نموده بودند. بسیاری از متاهلین (46/3%) علت فرار خود را ازدواج اجباری و در برخی موارد اختلاف سن زیاد با همسر ذکر نموده بودند. میانگین سن همسران شان 34/4 سال (max=70، min=20)، 31/7% ایشان دارای شغل آزاد و 19/5% کارمند بودند. اکثر آنها (51/2%) سابقه اعتیاد، 60% سابقه زندان و 57/5% سابقه ارتکاب خلافکاری داشتند.

68/6% از واحدهای مورد پژوهش پدر داشتند. میانگین سن پدران 56 سال بود (max=85، min=29)، 28/6% پدرانشان بیکار و 71/4% بیسواد بودند. 18% از پدران سابقه اعتیاد و 18% سابقه خلافکاری داشتند.

31/4% از واحدهای مورد پژوهش پدرانشان فوت نموده بود. میانگین سن پدران هنگام مرگ 50 سالگی بود. 72/7% پدران آنها بیسواد، 40/9% بیکار، 8/9% سابقه اعتیاد و 9/1% سابقه زندان داشتند.

94/2% از واحدهای مورد پژوهش مادر داشتند. میانگین سن مادران 46 سال بود (max=70، min=30)، 96/9% خانه دار، 69/2% بیسواد، 6/9% سابقه اعتیاد و 13/4% سابقه خلافکاری داشتند.

در ارزیابی ویژگیهای شخصیتی و روانشناختی واحدهای مورد پژوهش، یافته های تحقیق نشان داد 46/3% فوبیا (ترس

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-05]

مرضی)، 64/3% اختلال سایکوتیزم (روانپریشی)، 83/5% اختلال هیپوکندریازیس (خود بیمار پنداری)، 90/4% اختلال وسواسی جبری، 82/2% افسردگی، 84/9% اضطراب بیمارگونه، 68/6% پرخاشگری، 41% اختلال پارانوئیدی و 56/2% مشکل حمایت در روابط متقابل داشتند (جدول شماره 1).

آزمون آماری کای اسکوار نشان داد که بین فرار دختران و زنان با برخی از ویژگیهای خانوادگی بالاخص درگیریها و کشمکش با والدین، ازدواجهای اجباری، بیسوادی و یا سطح سواد پایین والدین، بیکاری و نداشتن درآمد والدین و وضعیت اقتصادی ضعیف خانواده ارتباط معنی دار وجود دارد. همچنین با استفاده از آزمون ضریب همبستگی مشخص شد بین ویژگیهای شخصیتی و عاطفی واحدهای مورد پژوهش با فرار آنها ارتباط معنی دار وجود دارد. اضطراب بیمار گونه ($p<0/05$)، سیکوتیزم، هیپوکندریازیس، اختلال وسواسی جبری، مشکل حمایت در روابط متقابل، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و اختلال پارانوئیدی ($p<0/001$) (جدول شماره 2).

جدول شماره 1- توزیع فراوانی مطلق و نسبی و ویژگیهای عاطفی و شخصیتی واحدهای مورد پژوهش

نوع اختلال	فوبیا		سایکوتیزم		خود بیمار پنداری		وسواسی جبری		افسردگی		اضطراب بیمارگونه		پرخاشگری		پارانویا		مشکل حمایت در روابط متقابل	
درجه اختلال	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
سالم	18	25/3	5	6/8	2	2/8	3	4/1	2	2/7	2	2/8	7	9/6	12	16/5	5	6/9
مرزی	21	28/4	21	28/7	10	13/6	4	5/5	11	15/1	9	12/3	16	21/8	31	42/5	27	36/9
بیمار	32	76/3	22	30	48	65/7	46	62/9	34	46/6	18	24/5	29	39/7	24	32/7	35	47/9
به شدت بیمار	-	-	25	34/3	13	17/8	20	27/5	26	35/6	44	60/4	21	28/9	6	8/3	6	8/3
مجموع	73	100	73	100	73	100	73	100	73	100	73	100	73	100	73	100	73	100

جدول شماره 2- ارتباط ویژگیهای شخصیتی و عاطفی با فرار واحدهای مورد پژوهش

نوع اختلال	فوبیا	سایکوتیزم	خود بیمار پنداری	وسواسی جبری	افسردگی	اضطراب بیمارگونه	پرخاشگری	پارانویا	مشکل حمایت در روابط متقابل
درجه آزادی	2	3	3	3	3	3	3	3	3
معنی دار بودن	0/05	0/004	<0/001	<0/001	<0/001	<0/001	0/003	<0/001	<0/001
	5/945	13/301	68/205	66/233	34/233	55/493	13/959	21/082	37/411

بحث و نتیجه گیری

محیط خانواده نخستین محیطی است که زمینه اجتماعی شدن فرد را فراهم می کند و مهمترین عامل تربیتی کودک نیز محسوب می گردد. کودک در آغاز تولد چیزی از دنیای خود نمی داند. محیط اطراف مشتمل بر محیط خانواده و محیط اجتماعی که کودک در آن رشد یافته و توانمندیهایش شکوفا شده و او را برای ورود به اجتماع آماده می نماید. لذا خوب یا بد شدن، کجروی یا پیروی از راه درست همه و همه رابطه مستقیم با سبک تربیتی والدین و محیط خانواده دارد. کشمکش ها و درگیریهای عاطفی، ناراحتی های روحی، کمبودها، احساس بی شخصیتی، احساس حقارت و سرخوردگی از جمله عواملی هستند که تأثیر بسزایی در بروز کجرویها و انجام اعمال خلاف دارند (2، 3، 4، 5، 14).

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-05]

با وجودیکه نقش خانواده در این راستا بسیار مهم می باشد اما عوامل متعدد دیگری نظیر دوستان، همسایگان و مدارس نیز می توانند عوامل بسیار مهم و مؤثری در بزهکاری و اختلالات رفتاری نوجوانان محسوب گردند. از طرف دیگر مسئله وراثت، نقایص عقلی و هوشی و ویژگیهای شخصیتی نیز می توانند در ارتکاب جرم و جنایت و بزهکاری مطرح باشند (3،2، 4، 7،6،5).

دوره نوجوانی یکی از پر مخاطره ترین دورانها در زندگی فرد است که با تغییرات فراوان جسمی و روانی توأم است. در بسیاری از منابع از این دوران به عنوان بحران بلوغ یاد شده است. با عنایت به این امر که هیچ یک از آسیبهای اجتماعی خارج از تأثیر خانواده پدید نیامده است لذا در این راستا والدین باید با خصوصیات این دوران آشنایی کامل داشته باشند. اگر نوجوان در خانواده خوب هدایت شود می تواند به آسانی خود را در مقابل تغییرات روانی و عاطفی ناشی از بحران بلوغ حفظ نموده و از آسیبهای اجتماعی دور بماند (5،1). به درستی هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند مگر آن که از خانواده سالمی برخوردار باشد.

همانگونه که در یافته ها بیان گردید نتایج بدست آمده از تحقیق حاکی از آن است که اکثریت دختران فراری در سنین زیر 20 سال قرار داشتند. نتایج مطالعه هاشمیان بر روی 75 دختر جوان فراری، نشان داد که کمترین سن فرار 12 سالگی و اکثریت فرارها در رده سنی 19-16 سال بوده است. در تحقیق یاد شده به عواملی مثل درگیریها و تنش های موجود در خانواده، طلاق والدین، نداشتن سرپرست یا بدسرپرستی، پرجمعیت بودن خانواده ها، مهاجرت از شهرستان به تهران، عدم آگاهی و بی بهره بودن از ضریب هوشی بالا و عدم پیشرفت تحصیلی به عنوان مهمترین عوامل فرار از خانه اشاره شده است (10).

توجه به این امر که سطح تحصیلات اکثریت واحدهای مورد پژوهش، ابتدائی و راهنمائی بود، می تواند بیانگر رابطه معکوس بین سطح تحصیلات و کاهش ارتکاب عمل خلاف باشد. زیرا داشتن علم و اطلاعات کافی می تواند فرد را در انتخاب راه درست یاری دهد. در بسیاری از مطالعات مشابه نیز به این نکته اشاره شده است (8، 10، 11).

همانطور که در یافته های تحقیق ذکر گردید، اکثریت واحدهای مورد پژوهش در این مطالعه سابقه قبلی مراجعه و نگهداری در مرکز، دستگیری و زندانی شدن، سابقه فرار قبلی و برقراری ارتباطات جنسی متعدد را ذکر نموده بودند. اغلب به درگیریها و کشمکش های شدید والدین، وجود ارتباطات بین فردی ضعیف والدین با یکدیگرو با فرزندان اشاره نموده بودند. پدران و مادران آنها اغلب بیسواد یا کم سواد بودند. نتایج اغلب مطالعات نیز با مطالعه حاضر همخوانی داشت (8، 9، 10، 11، 12، 13، 15، 16، 17، 18، 19).

استیفمن در سال 1989 در بررسی 291 نفر نوجوان فراری 12 تا 18 سال در واشنگتن به این نتیجه رسید که اکثر فراریان در خانه با مشکلاتی چون اعتیاد والدین و اختلال شخصیت ضد اجتماعی روبرو بوده اند و اکثراً در زندگی خود تجارب ناگواری داشته اند. اکثر این نوجوانان فراری مورد سوء استفاده های جسمی و جنسی قرار گرفته بودند (20).

نتایج تحقیق بیلز که بر روی 120 دختر نوجوان نیازمند به حمایت که به طور موقت از حیطه مراقبت والدین خارج شده بودند نشان داد که این دختران اغلب قربانی طرد والدین، سوء استفاده های جنسی و محرومیتهای عاطفی بوده اند(21).

در تحقیقی که توسط ماوگ انجام گرفت مشخص شد که ده درصد افرادی که در نقاهتگاهها و زندانهای امریکا به سر می برند زن هستند و بیش از سه میلیون آنها (معادل 22%) در سیستم زندانهای شهری در چرخه مداوم دستگیری و زندانی بوده اند. اغلب این افراد در جامعه ای زندگی کرده اند که اعضای خانواده، پدران، مادران و همسایگان آنها نیز در زندان و نقاهتگاهها به سر می برده اند (22).

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-05]

نتایج تحقیق خدایاری نیز نشان داد که کمبودهای عاطفی و فشارهای ناشی از اختلاف والدین، مهمترین عوامل مؤثر در فرار نوجوانان از منزل بوده است (15).

مظلومی در پژوهش خود در سال 1376 ترس، خشم، یأس و حس انتقام جوئی در مقابل عوامل آشفته و بهم ریختگی خانواده و اعتراض به بی عدالتی های درون خانواده و مدرسه را بعنوان رفتارهای شیطنت آمیز و ناپخته برای فرار نوجوانان دانسته است. او در تحقیق خود اختلالات شدید خانوادگی، فقدان یکی از والدین به هر دلیل و آشفتگی های درون خانواده را به عنوان عواملی برای فرار ذکر نموده است (11).

نتایج سایر تحقیقات نیز نشان می دهند که نابسامانی خانواده، سردی روابط عاطفی والدین متارکه و طلاق، وجود ناپدری و یا نامادری، فقر فرهنگی، بیسوادی و اعتیاد، از مهمترین عوامل فرار در نوجوانان بوده اند (9).

کاپادیا[1] در سال 1992 در شهر بمبئی پس از بررسی علل فرار در 300 نوجوان فراری، بدرفتاری والدین، سوء رفتار ناپدری یا نامادری، ارضاء حس کنجکاوی، دیدن نقاط فریبنده شهری در فیلم ها، گریز از کار خانه، شکست در تحصیل و ترس از تنبیه والدین را از عوامل فرار نوجوانان ذکر کرد (23).

نتایج مطالعه حاضر مبین این امر است که ویژگیهای شخصیتی و عاطفی افراد مورد مطالعه با فرار آنها ارتباط معنی داری دارد. دلیل این امر می تواند ناشی از عدم ارضای صحیح و به موقع نیازهای روانی دوران نوجوانی توسط والدین و عدم درک درست نوجوان توسط خانواده باشد. از آنجائی که خانواده نتوانسته بستر مناسب رشد صحیح و تکامل را برای نوجوان ایجاد نماید، زمینه انحطاط و اعمال خلاف را برای او فراهم نموده است (24). نتایج تحقیق ریلی[2] در سال 1978 در بوستون بر روی 50 دختر فراری که همگی توسط پلیس دستگیر شده بودند، نشان داد که در این دختران آثاری از جنون و عقب ماندگی ذهنی وجود نداشته و عامل مشترک جنسی در همه آنها موجود بوده، ضمناً آشفتگی های خانوادگی و مسائل فرهنگی از دیگر عوامل مؤثر در فرار این دختران بوده است (25).

یکی از معضلات اجتماعی که قطعاً مانع پیشرفت و توسعه اجتماعی خواهد شد هرز رفتن نیروی فعال و جمعیت جوان کشور است. بدیهی است نیروی انسانی و جوان می تواند به عنوان پشتوانه محکم و پر قدرتی برای سازندگی محسوب گردد. عدم توجه به این انرژی خسارات جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. رشد کجروی و انحراف در جامعه زنگ خطری برای دست اندرکاران اجرائی کشور به صدا در می آورد که اگر بی تفاوت از آن بگذرند، بدون شک گریبان جامعه را خواهد گرفت. با توجه به این مهم که سلامت جامعه در گرو سلامتی فرد و خانواده می باشد، بنابراین باید در از بین بردن علل بیماری زای اجتماعی چون فرار و بزهکاری تلاش نمود.

لذا با توجه به آنچه گذشت و با توجه به نتایج تحقیق به منظور ارتقاء سلامت روانی نوجوانان و پیشگیری از فرار آنها پیشنهادات زیر توصیه می شود.

1- ایجاد کلاسهای آموزشی جهت بالا بردن سطح آگاهی نوجوانان، والدین، مربیان و معلمین مدارس جهت پیشگیری از فرار و عوارض آن.
2- بالا بردن سطح آگاهی جامعه در مورد مسائل و مشکلات بلوغ و نوجوانی از طریق رسانه های ارتباط جمعی مثل رادیو، تلویزیون و مطبوعات.
3- ایجاد اماکن تفریحی ـ اجتماعی و فرهنگی و ورزشی سالم، پارک ها و کتابخانه های عمومی.
4- برقراری همیاری بین اولیاء مدارس، خانواده ها و نهادها.
5- ایجاد کلاسهای بازآموزی کادر بهداشت در مورد دوران نوجوانی و مسائل و مشکلات این دوران .
6- برقراری کلاسهای آموزشی جهت معلمین مدارس و حساس کردن آنها به مسائل و مشکلات این دوران.

1. Kapadia
2. Reilly

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-05]

7- ایجاد کلاسهای آموزشی جهت نوجوانان به منظور ارتقاء مهارت های زندگی و شیوه های حل مشکل.

8- تشکیل و تقویت سازمانهای غیر دولتی جهت حمایت و راهنمایی دختران فراری به منظور پیشگیری از آسیب های بعد از فرار.

9- افزایش حمایتهای اجتماعی جهت خانواده های پرجمعیت و کم درآمد.

10- برنامه های آموزشی جهت خانواده ها به منظور آشنائی با عواقب ازدواجهای اجباری در دختران نوجوان و پیشگیری از ازدواجهای با تفاوت سنی زیاد.

با عنایت به این امر که فرار از منزل سلامت و امنیت روانی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی جامعه را تهدید می کند، لازم است تا تدابیر مناسبی جهت جلوگیری از انحرافات جامعه توسط دست اندرکاران اجرائی مملکت صورت گیرد و این امر جز از طریق شناخت دقیق عوامل زمینه ساز و گرایش به انحرافات میسر نمی باشد.

تشکر و قدردانی

از معاونت محترم آموزشی، پژوهشی دانشگاه، ریاست محترم مرکز مداخلات اجتماعی، مدیریت محترم پژوهشی، اعضاء شورای پژوهشی و کلیه عزیزانی که در مراحل تصویب و اجرای این طرح همکاری نموده اند، تشکر و قدردانی به عمل می آید.

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-05]

References

1- شعاری نژاد ع ا. روانشناسی نوجوان، تهران، انتشارات اطلاعات،1379

2- شامبیاتی ه. بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات مروی، 1371

3- دانش ت. بزهکاری اطفال و جوانان، تهران، 1376

4- کی نیا م. مبانی جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران :1370

5- ساروخانی ب. مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، انتشارات سروش، 1379

6- فرجاد م ح. آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت معلم، 1371

7- ستوده ه. آسیب شناسی اجتماعی و طبقه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات آوای نور، 1376

8- روح زاد صومعه سرائی ط. بررسی زمینه های فرار دختران از خانه و ویژگیهای فردی و اجتماعی دختران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، 1379

9- سعیدی م. بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی، 1373

10- هاشمیان م. بررسی عوامل خانوادگی موثر بر فرار دختران نوجوان بزهکار مقیم کانون اصلاح و تربیت شهر تهران. مجله اسرار، سال نهم، شماره 2، تابستان 81،

11- مظلومی ا. نقش خانواده در بروز بزهکاری نوجوانان 14- 11 ساله کانون اصلاح و تربیت شهر مشهد سال 1376، مجله علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامائی مشهد، سال چهارم، شماره یازدهم و دوازدهم، بهار و تابستان 1381

12- رک کوارسوس و. بزهکاری نوجوانان، ترجمه ابراهیم رشیدپور، تهران : انتشارات دانشگاه تهران، 1379

13- آلن راو ر. اختلالات روانی کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات رشد، 1370

14- حیات روشنائی ا. بررسی رابطه فرار دختران با وضیت خانوادگی، شیوه های تربیتی والدین و میزان اعتماد به نفس آنان، خلاصه مقالات همایش آسیبهای اجتماعی در ایران 1381

15- خدایاری م. مسائل نوجوانان و جوانان، تهران نشر کلینی،1372.

16 – خاکپور م. نقش خانواده در فرار دختران از منزل ف پایان نامه کارشناس ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، 1381.

17- حقیقت دوست ز، عوامل زمینه ساز فرار دختران از منزل پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی، توانبخشی، 1383

18- فتحی م. عوامل خانوادگی موثر بر فرار دختران از خانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشنلسی، 1382.

19. Lynn. Rew. Relationship of sexual Abuse, connectedness,and loneliness to perceived well-being in Homeless youth JSPN, 2002; 7(2): 51-63

20. Stiffman Arlene R. Physical and sextual abuse in runaway youghts (12-18 years). Child abuse and neglect 1989; 13(3): 112-119

21. Byles JA, Adolescent girls in need of protection Am. J. orthopsychiatry, 1980; 50 (2): 264-278

22. Maeve K. Women leaving jail, Journal of psychosocial Nursing 2003; 41(9): 30-38

23. Kapadia R, Runaway of yought, social university of Bambay, India, 1992

24. Meda Chesney L, Randall G. Shelden Girls, Delinquency and Juvenile Justice (Contemporary Issues in crime and justice series. 3th wardsworth publishing company, 2003

25. Reilly, P. D. What make adolescent girls free from their homes? Clin pediatar phila. 1978; 17(12): 886-893

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-05]